



۲۰۱۳/۰۴/۱۷

انجنیر فضل احمد افغان

علت بدبختی های افغانان جعلکاری، دروغگویی و فریبکاری میباشد

سه واقعیت تلخ فوق الذکر که عنوان قرار داده شده از خصایلی است که در حیوانات مشاهده نمی شود اما این خصایل ناپسندیده و منفور که از نگاه اسلامی و انسانی جدی منع و در جوامع بین المللی نیز منفورترین و مردودترین خصایل بشری دانسته شده متأسفانه روز به روز جزء کلتور و فرهنگ جوامع بشری شده و مخصوصاً در تار و پود جوامع افغانی در داخل و خارج چنان نفوذ نموده که نه تنها افغانها را بطرف بی اتفاقی بلکه به تباهی و بدبختی های غیر قابل تصور کشانیده است.

مطلب من این نیست که اعمال غیر اسلامی و غیر انسانی فوق الذکر تنها در کشور عزیز ما صورت می گیرد اخیر حتی در کشور های متمدن و پیشرفته به انواع مختلف نیز واقع می شود یعنی طور مثال تولید کشور هایی چون چین، بنگلادیش، هند، مکزیکو، تایوان را وارد کشورهای خود نموده و لیبیل ویا تاپه کشورهای خود را بالای آن زده بنام تولید کشورهای خود بفروش می رسانند و یا در موقع محاسبه تکسها سعی می ورزند که به نوع از انواع از پرداخت تکس ها گریز نمایند حتی به سوئیة کانگرسمن ها و کمپنی های بزرگ رشوه ستانی ها صورت گرفته و سیاستمداران شان برای رسیدن اهداف سیاسی خود جعلکاری ها، دروغگویی ها و فریبکاری ها را نیز انجام می دهند چنانچه ما شاهد بودیم که قبل از حمله امریکا به عراق (۲۰۰۳م) مقام عالی امریکا یعنی جنرال پاول که وزیر خارجه امریکا در زمان زعامت جورج دبلیو بوش بود برای تغییر ذهنیت جهان به طرفداری اضلاع متحده امریکا تصاویر جعلی حامل انتقال مواد شیمیائی را در سازمان ملل متحد نشان دادند و وثیقه حمله بر عراق را با دروغگویی و فریبکاری از ملل متحد حاصل و عراق را اشغال نمودند.

همچنان بعد از حملات غیر انسانی و غیر اسلامی تاریخ ۱۱ سپتمبر در نیویارک و واشنگتن توسط تروریستان عربی که در امریکا تربیه و زیست می کردند به منظور اشغال افغانستان چطور موضوع حمله را به طالبان که اعمال شان نیز غیر اسلامی و ضد مدنیت بود ارتباط داده و به تاریخ ۷ اکتور ۲۰۰۱م بالای افغانستان حملات نظامی خود را آغاز و سپس بعد از اشغال افغانستان به تاریخ ۱۱ اکتوبر فیصله شورای امنیت ملل متحد را حاصل و برای تغییر ذهنیت جهان مخصوصاً ملت مظلوم افغان که هیچگاه عمل تروریستی را انجام نداده بود حملات نظامی و اشغال خود را به افغانستان با دروغگویی و فریبکاری قانونی توجیه نمودند.



بلی جعلکاری ها، دروغگویی ها و فریبکاری ها جهان شمول است اما با تفاوت اینکه در جهان متمدن و متریقی آنچه صورت می گیرد به زودی از طریق منابع خبری افشاء و مراجع قانونی دست به کار شده زود و یا دیر مرتکبین از طریق مراجع قانونی به جزای اعمال خود می رسند و یا قبل از تصمیم گیری مراجع قانونی، شخص و یا مقامی که متهم به چنین اخلاق باشند، به عمل غیر قانونی خود اعتراف و از مرجع مربوط عذر خواهی و به موضوع خاتمه می دهند چنانچه آقای جنرال پاول چندین

بار در چنل سی. ان. ان. به اشتباه خود اعتراف کرد و آقای اوباما رئیس جمهور امریکا نیز خودش در سفر اخیر آقای حامد کرزی به امریکا چنین اعتراف کرد "به باور من، نگرانی اساسی رئیس جمهور کرزی واضح است که شما این نگرانی را مسقیماً از زبان خود وی نیز خواهید شنید این است که مطمئن شویم که حاکمیت افغانستان مورد احترام قرار گیرد و اگر قرار باشد شماری از نیروهای ما پس از سال ۲۰۱۴م در افغانستان باقی بمانند، باید به

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

دعوت حکومت افغانستان صورت گیرد و حکومت افغانستان باید با آن احساس راحتی و آرامش کند. (مقاله مؤرخ ۱۸ جنوری ۲۰۱۳م اینجانب تحت عنوان "دست آورد ملاقات اوباما و کرزی چه بود").

جای تأسف اینست که در جوامع افغانی شخصیت های دانشمند و عالم که لاف از قانونیت، انسانیت، اسلامیت و عدالت می زنند بیشتر از انسان های بی علم و بیدانش مرتکب اعمالی چون جعلکاری، دروغکاری و فریب کاری می شوند. وقتی اسناد موثق و قانونی به رُخ شان کشیده میشود در عوض اینکه از اعمال خود شرمساری نموده و معذرت خواهی کنند برعکس با دیده درائی از خود دفاع و یا با عصبانیت از جواب دادن طفره رفته و قطع علائق میکنند.

اگر ما به گذشته نزدیک مادروطن خود نظری اندازیم به ملاحظ میرسد که سه واقعیت غیر اسلامی و غیر اخلاقی فوق الذکر در سه دهه اخیر بصورت وسیع به شکل کشور شمول دامنگیر جوامع افغانی ما گردیده و هر روز از طریق منابع خبری و یا قانونی از جعلکاری ها، دروغ گویی ها و فریبکاری های مراجع مختلف یعنی از بالا ترین الی پایین ترین مقام های سه گانه دولتی به شمول رهبران تنظیمی و حزبی می شنویم و حتی می بینیم که برای پیروزی های نامشروع خود با کلمات فریبنده و بسیار محیلانه خود را در لباس و چهره های شخصیت های متمدن صادق و یا مسلمان منزله از تمام گناه ها در جوامع ما ظاهر با دروغگویی و فریبکاری از جعلکاری و خیانت های خود و حتی از اعمال ضد بشری و غیر اخلاقی خود با دیده درایی انکار می ورزند.

از عوامل مهم مروج شدن چنین واقعیت های تباہ کن در مادروطن عزیز ما اینست که در سه دهه اخیر یک تعداد شخصیت های کس و ناکس خود را به قدرت های بیرونی فروخته و صاحب زور و زر گردیده اند و امروز در سطح دولت مرکزی، ولایات، ولسوالی ها و قریه جات قرار گرفته هر آنچه را آنها خودشان و یا بادران شان می خواهند با استفاده از زور و زر، جعلکاری ها، فریبکاری ها و دروغگویی ها با بلند نمودن شعارهای دروغین اسلامی و فریاد از آزادی و دیموکراسی خود را به حیث شخصیت های ملی و وطن دوست معرفی کرده و به حیث یگانه ناجی ملت و کشور از بدبختی های دامنگیر معرفی و برای تداوم قدرت خود و بادران بیرونی شان عمل می نمایند.

ما در دوازده سال گذشته از جعلکاری ها در قانون اساسی الی انتخابات مقام ریاست جمهوری، وکلای ولسی جرگه، شورا های ولایتی، ترتیب قبایله های جعلی برای غصب ملکیت های دولتی و شخصی، رشوه ستانی ها و غیره که بر مبنای دروغگویی ها برای فریب ملت صورت گرفته، می باشیم.

همچنان در اکثر جوامع افغانی خارج از مادروطن عزیز ما افغانستان که ملیون ها خواهر و برادر افغان ما بنا بر جبر زمان ترک مادروطن نموده اند و در جوامع فاقد فرهنگ، کلتور و عنعنات اجتماعی افغانی زیست می کنند نسبت عدم مراکز اجتماعی و کلتوری که جوابگوی نیازمندی های جوامع افغانی باشد و نسل های جوان ما بتوانند هویت اصیل افغانی خود را حفظ و در کشورهای مقیم به افتخار و سربلندی خود را بحیث افغان معرفی و برای کشور مقیم و مادروطن آبی و اجدادی خود مثمر ثمری باشند، ندارند و اگر سعی و تلاش هم بعمل آمده که چنین مرکزی یا اتحادیه ای ایجاد شود یک تعداد بنا بر خود خواهی های شخصی، جنون به گرفتن ریاست مرکز (اتحادیه) و یا روابط با احزاب و تنظیم های وقت و امروزی در داخل افغانستان برای پیشبرد مرام های غیر ملی آنها تلاش نموده اند که با جعل کاری، دروغ گویی و فریب کاری قدرت را از جوامع خود غصب و برای منافع خود و یا بادران شان با خاک زدن به چشمان یک تعداد از هممیهنان پاک، صادق و خوشباور قدرت و صلاحیت تصمیم گیری بالای سرنوشت افغانان را منحصر به فرد و یا یک گروپ مشخص نموده اند، گاهی بنام اسلام و گاهی به این نام و یا آن نام دیگر افغان ها را فریب و نسل های امروز و فردا را نه تنها محروم از تعلیم اسلام واقعی و فرهنگ افغانی نموده اند بلکه افغان ها را متفرق و نمی خواهند خواهران و برادران افغان باهم متحد و برای جامعه خود مثمر باشند.

طور مثال اتحادیه افغان های مقیم در برتیش کولمبیا که من نیز افتخار عضویت مؤسس آنرا با انتخاب شدنم در سه جرگه دارم بیست و چهار سال قبل با یک عشق و علاقه خاصی برای نسل های جوان همان زمان و نسل های بعدی ایجاد شد اما متأسفانه عده ای از شخصیت های مضر که منافع خود شان مهمتر نسبت به منافع افغان ها بود قبل از رجستر شدن اتحادیه به منظور رسیدن به اهداف پلید خود در پشت پرده قسمتی از اساسنامه را تحریف و حتی عده

د پاپو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

ای از اعضای مؤسس اتحادیه را که با رأی آزاد از طرف افغان های مقیم در جرگه ها انتخاب شده بودند با جعلکاری به صورت مخفی در دوائر دولتی از حق مشروع شان محروم و برای فریب فامیل های شان با دروغ گویی ها و فریب کاریها در محفلی از آنها یاد بود نموده و برای شان جوایز نیز اهدا گردید و نیز باید متذکر شد که در سال ۲۰۰۳م بنا بر توطیه دیگری که من خوشبختانه در آن اشتراک نداشتم اساسنامه را تعدیل و حتی پلان داشتند که نام افغان را نیز از اساسنامه حذف نمایند که خوشبختانه در اثر مداخله مستقیم من اقدام غیر ملی شان در نطفه خنثی گردید اما با تأسف در غیاب من موضوعات فرهنگی افغانی ما را که عبارت از آموزش زبانهای ملی افغانستان، معرفی فرهنگ و کلتور افغانی به جامعه کانادایی و بالاخره حفظ هویت ملی افغانی ما بود از اساسنامه حذف و اساسنامه را بنام به اصطلاح عام المنفعه برای اعمار یک مسجد و تدریس دین مقدس اسلام و کمک های بشری بود نام گذاری و راجستر نمودند و من مخالفت جدی خود را به ارتباط حذف نمودن موضوعات فرهنگی و کلتوری از اساسنامه در جرگه و همچنان کتبی به اتحادیه اظهار داشتم اما متأسفانه گوش شنوا نبود و حتی در طول ده سال آرزوی عالی اعمار یک مسجد آبرومند نیز بنا بر بی علاقگی خواهران و برادران افغان ما به اتحادیه برآورده نشد. یعنی جعلکاری ها، دروغ گویی ها و فریب کاری های عده محدودی از مسئولین اتحادیه که منافع خودشان مهمتر از منافع افغان ها بود افغان ها را متفرق و از سهمگیری فعال به فعالیت های اتحادیه بی علاقه ساختند.

قابل تذکر است که من خوشبختانه از طریق وکیل قانونی خود با بدست آوردن اسناد مؤثق از مراجع قانونی ایالت برتس کولمبیا برای اثبات جعلکاری، دروغگویی و فریبکاری عده ای از هموطنان خود در ایالت برتس کولمبیا مبارزه عادلانه خود را از آغاز سال ۲۰۱۲م شروع کرده ام و عنوان "جعلکاری، دروغگویی و فریبکاری" را در این مقاله به خاطری انتخاب نمودم که وکیل قانونی من بعد از بدست آوردن اسناد و شنیدن داستان غم انگیز اتحادیه ما برایم بیان داشت که آقای احمد "اتحادیه شما با جعلکاری آغاز، با دروغگویی و فریبکاری ها خاتمه یافته و دوام دارد" بناءً گفتار وکیل بالايم تأثیر عمیق نموده و مرا به قضایای مهمتر یعنی آنچه در مادروطنم در دوازده سال اخیر گذشته متوجه ساخت لهذا خواستم تحت عنوان فوق قضایا و عوامل سوختن مادروطن عزیزم در آتش جنگ و بی عدالتی ها را بررسی و با هموطنان عزیز شریک سازم.

در ارتباط به جامعه افغانی ما در ایالت برتس کولمبیا امیدوارم آنهایی که در بیست و سه سال گذشته در چهره های مختلف افغان های مقیم برتس کولمبیا را با جعلکاری و دروغ گویی فریب داده اند قبل از اینکه من طبق وعده قبلی اسناد را در فرصت مناسب در یک اجتماع بزرگ افغانی افشاء نمایم خود شان بنا بر مسؤولیت وجدانی، اخلاقی، ملی و اسلامی همه افغان ها را در یک صالون بزرگ دعوت و به جعلکاری ها، دروغ گویی ها و فریبکاری های خود اعتراف و از همه افغان ها مخصوصاً از آنهایی که حق شان تلف گردیده معذرت بخواهند و اساسنامه فعلی را به اساسنامه ای تعدیل نمایند که تمام نیازمندی های افغان های امروز و فردا را برای حفظ هویت افغانی شان در بر داشته باشد.

با عرایض و تذکرات فوق متذکر می شوم که تا در مادروطن عزیز ما نیز روحیه و اخلاق اعتراف به گناه و عذر خواهی ایجاد نشود و گنهکاران اگر مسلمان اند از خاطر خداوند (ج) و مقدسات و اگر عشق به وطن دارند به خاطر نجات مادروطن از بدبختی های دامنگیر مطابق هدایات دین مقدس اسلام و مکلفیت های اخلاقی، وجدانی، اسلامی و ملی از اعمال ناشایسته خود در سی و پنج سال گذشته در مقابل ملت عذرخواهی نکنند و یا در صورت انکار از عذر خواهی و طلب عفو از ملت، از طریق مراجع قانونی با صلاحیت داخلی و بین المللی عدالت انتقالی که در کانفرانس بن (۲۰۰۱م) بر آن تأکید گردیده عملی نشود ما ملت افغان خوشبختی را نخواهیم دید و لذت آزادی و دیموکراسی واقعی را نخواهیم چشید. خداوند به ملت افغان رهنمای و کمک کند.

پایان

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی